گزارش خبری

با عقد تفاهم‌نامه بین محک و دانشگاه علوم پزشکی انجام شد

## یک گام بلند برای پیشرفت برنامه پیوند سلول‌های بنیادی خون‌ساز سرطان کودکان

آراسب احمدیان، مدیرعامل محک، گفت: یکی از دستاوردهای عقد تفاهم‌نامه بین محک و دانشگاه علوم پزشکی تهران، می‌تواند کمک به برنامه پیوند سلول‌های بنیادی خون‌ساز برای درمان سرطان کودکان باشد.

مؤسسه خیریه محک طی سه سال گذشته استراتژی تحول درمان را پیگیری کرده و در این راستا کوشیده است از همه ظرفیت‌های موجود در مؤسسه و بیمارستان فوق‌تخصصی محک بهره ببرد. مرکز تحقیقات سرطان محک با همین رویکرد هدایت پروژه‌های تحقیقاتی در حوزه‌های مختلف سرطان کودکان را برعهده گرفته که به ارتقای جایگاه علمی و درجه‌بندی آن منجر شده است. همچنین با توجه به ارتباطات علمی کادر درمان محک با برخی از بیمارستان‌های بین‌المللی، پروژه‌های خوبی نیز از سوی کادر درمان بیمارستان محک در مرکز تحقیقات محک تعریف و اجرا می‌شود. به‌تازگی مرکز تحقیقات محک در ادامه تعامل با مراکز درمانی ملی تفاهم‌نامه‌ای را با مرکز تحقیقات سلول و ژن‌درمانی کودکان - بیمارستان مرکز طبی به امضا رساند تا با استفاده از ظرفیت‌های مشترک در هر دو مرکز بتواند به نتایج درمانی بیشتری برای کودکان محک دست یابد.

در مراسم انعقاد این تفاهم‌نامه، سیدرضا رئیس‌کرمی، رئیس دانشگاه علوم پزشکی تهران، امیرعلی حمیدیه، رئیس مرکز تحقیقات سلول و ژن‌درمانی کودکان - بیمارستان مرکز طبی، مریم بهفر، معاون پژوهشی مرکز تحقیقات سلول و ژن‌درمانی کودکان - بیمارستان مرکز طبی، محسن روزرخ، نایب‌رئیس هیئت‌مدیره مؤسسه خیریه محک و رئیس مرکز تحقیقات سرطان محک، آراسب احمدیان، مدیرعامل مؤسسه خیریه محک، مرتضی اشرافی، معاون پژوهشی مؤسسه خیریه محک، مهیار نوریان، سرپرست پژوهش مرکز تحقیقات مؤسسه محک و نگین جعفریان، سرپرست آموزش مرکز تحقیقات مؤسسه محک، حضور داشتند.

محسن روزرخ درباره خدمات مؤسسه محک طی ۳۳ سال گذشته توضیحاتی ارائه کرد و گفت: فعالیت‌ها و دستاوردهای مرکز تحقیقات محک همگام با فناوری‌های بروز در دنیای علم است و همکاری در سطح ملی و بین‌المللی دارد.

او در ادامه به همکاری مرکز تحقیقات محک با بیمارستان‌های گاسیلینی ایتالیا، سیککید کانادا، سنت جود آمریکا و آقاخان پاکستان اشاره کرد و گفت: این مرکز علاوه بر همکاری‌های بین‌المللی، با مراکز معتبر در داخل کشور مانند دانشگاه علوم پزشکی تهران که یکی از باسابقه‌ترین و پرچم‌داران حوزه سلامت و تحقیقات است، همکاری می‌کند.

رئیس مرکز تحقیقات محک با تأکید بر مفاد تفاهم‌نامه همکاری میان محک و دانشگاه علوم پزشکی تهران، برای حمایت از طرح‌های پژوهشی نخبگان، دانشجویان و پژوهشگران دانشگاه تهران اعلام آمادگی کرد. آراسب احمدیان در ادامه سخنان خود را با توضیحات مختصری درباره فعالیت‌های مؤسسه خیریه محک و نحوه مدیریت آن طی سال‌های گذشته آغاز کرد و گفت: استمرار در ارائه خدمات حمایتی و درمانی به کودکان مبتلا به سرطان طی ۳۳ ساله گذشته تنها با حمایت خیران و نیکوکاران امکان‌پذیر شده است.

او به اهمیت پروژه‌های تحقیقاتی در استراتژی‌های محک از سال‌های گذشته تاکنون اشاره کرد و توضیح داد: راه‌اندازی بانک نمونه‌های HLA برای پیوند سلول‌های بنیادی خون‌ساز یکی از این پروژه‌هاست که با حمایت خیران اجرا شده و به عنوان یکی از پروژه‌های خیریه‌محور در رقابت‌های بین‌المللی مدال طلا کسب کرده است. به گفته مدیرعامل مؤسسه محک، در راستای استراتژی تحول درمان با رویکرد درمان‌های چندتخصصی برنامه‌های نروانکولوژی و پیوند راه‌اندازی و پیاده‌سازی می‌شوند و یکی از دستاوردهای عقد تفاهم‌نامه بین محک و دانشگاه علوم پزشکی تهران می‌تواند کمک به برنامه پیوند باشد.

احمدیان با بیان اینکه توسعه مرکز تحقیقات سرطان کودکان یکی از استراتژی‌های محک است، عنوان کرد: این اقدام فعالیت‌های مستمر پژوهشی و آموزشی را می‌طلبد و در این راستا همکاری با مراکزی همچون بیمارستان مرکز طبی و دانشگاه علوم پزشکی تهران برای مرکز تحقیقات لازم و حیاتی است.

مرتضی اشرافی مرکز تحقیقات مؤسسه محک را به عنوان یک واحد مستقل، تحت نظارت و هم‌راستا با استراتژی‌های مؤسسه خیریه محک معرفی کرد و گفت: مرکز تحقیقات مؤسسه محک شامل دو واحد آموزش و پژوهش است؛ واحد آموزش رویدادهای علمی در سطح ملی و بین‌المللی برگزار می‌کند و به‌دنبال ارتقای توسعه فردی محققان است. واحد پژوهش نیز طرح‌های تحقیقاتی در چارچوب اولویت‌های پژوهشی را جذب می‌کند و پس از بررسی در شورای پژوهشی نسبت به افزایش برون‌دادهای پژوهشی برای افزایش پیش‌آگهی، تشخیص و درمان سرطان کودکان گام برمی‌دارد.

سیدرضا رئیس‌کرمی در بخش دیگری از این مراسم، سخنان خود را با اشاره به پیشینه موفق و خوش‌نام سازمان مردم‌نهاد محک از گذشته تابه‌امروز آغاز کرد و گفت: استمرار کمک‌های مردمی و فعالیت خیریه محک با مدیریت شایسته انجام شده است. او با اشاره به وجوه تمایز مؤسسه محک با سایر مؤسسات مردم‌نهاد در کشور گفت: مدیریت صحیح و منسجم محک در برابر چالش‌ها و بحران‌های اقتصادی کشور یکی از این وجوه است. ایده‌های بهروز در هدایت سازمان محک باعث حفظ اعتماد مردم و خیران به این مؤسسه طی سالیان شده است. همچنین تمرکز محک به صورت تخصصی در حوزه سرطان کودکان و الویت قرار دادن تحقیقات در مؤسسه محک، بر روش‌های درمانی سرطان کودکان در ایران تأثیرگذار بوده است.

رئیس‌کرمی در ادامه با اشاره به موفقیت‌های بین‌المللی مؤسسه محک در رقابت با سایر خیریه‌های جهانی بر پیشگام‌بودن مؤسسه خیریه محک نسبت به سایر مؤسسات داخلی صحه گذاشت. امیرعلی حمیدیه یکی از دلایل مهم برقراری ارتباط بین دانشگاه علوم پزشکی تهران و مؤسسه خیریه محک را رویکرد و حضور دکتر سیدرضا رئیس‌کرمی دانست و بیان کرد: رویکرد مثبت مدیریتی دکتر سیدرضا رئیس‌کرمی نسبت به بازبودن درهای دانشگاه به روی تمامی نهادهای مردمی، غیرمردمی و عموم جامعه حائز اهمیت است.

حمیدیه ارتباط بین دانشگاه‌های علوم پزشکی و مؤسسه خیریه محک را امری مهم و حیاتی برای توسعه و تحول درمان کشور دانست و گفت: در بیمارستان سنت جود آمریکا ۸۰ درصد هزینه‌های درمانی از خیریه‌ها تأمین می‌شود.

در پایان نیز با حضور مدیران حاضر، تفاهم‌نامه میان مرکز تحقیقات سلول و ژن‌درمانی کودکان بیمارستان مرکز طبی - دانشگاه علوم پزشکی تهران با مرکز تحقیقات سرطان کودکان مؤسسه خیریه محک منعقد شد.

عکس: www.hamshahrionline.ir

گفت‌وگوی «شرق» با پژوهشگر مدیریت منابع آبی که نگرش مردم درباره بحران زاینده‌رود را بررسی کرده

# نگاه نگران مردم ۴ استان بر سر آب

مریم لطفی

بحران آب در ایران دیگر صرفا چالشی محیط‌زیستی نیست و تبدیل به مسئله‌ای اجتماعی-سیاسی شده که استمرار آن، نه‌تنها امنیت آبی بلکه همبستگی اجتماعی را نیز در معرض تهدید قرار داده است. کارشناسان بر این باورند که حل این بحران نیازمند مدیریتی منصفانه و پایدار، بازنگری در الگوهای مصرف و سیاست‌های اختصاص آب و همچنین مشارکت جدی و گفت‌وگوی مؤثر میان تمام آنهایی است که در این زمینه منفعتی دارند؛ چراکه بدون این رویکرد، پیامدهای کم‌آبی می‌تواند به شکاف‌های عمیق اجتماعی و فرهنگی بین استان‌ها و گروه‌های مختلف دامن بزند. حالا پژوهشگر مدیریت منابع آبی که نگرش مردم درخصوص بحران زاینده‌رود را بررسی کرده، به «شرق» می‌گوید این وضعیت منجر شده مردم چهار استان اصفهان، چهارمحال‌وبختیاری، خوزستان و یزد، به هم نگاه خصمانه‌ای داشته باشند و همدیگر را تهدید به قطع منابع آب و بستن خط لوله‌های انتقال آب میان استان‌ها کنند.

### ماجرا از کجا شروع شد؟

طرح انتقال آب از زاینده‌رود به استان یزد که از دهه ۱۳۶۰ آغاز شد، اکنون پس از چند دهه اجرا، به یکی از پرچالش‌ترین مسائل منابع آب کشور تبدیل شده است. این پروژه با هدف تأمین آب شرب و بخشی از نیازهای صنعتی یزد، سالانه حدود ۹۸ میلیون مترمکعب آب را از سرشاخه‌های زاینده‌رود به این استان منتقل می‌کند. اما با تشدید خشک‌سالی‌ها و کاهش جریان زاینده‌رود، اعتراضات شدید کشاورزان اصفهانی نسبت به این انتقال افزایش یافته است.

در هفته‌های اخیر، تنش‌ها به اوج خود رسیده و دو ایستگاه پمپاژ در شرق اصفهان به آتش کشیده شده است. این اقدام منجر به قطع یا کاهش شدید جریان آب به استان یزد شد و وضعیت قرمز آبی در این استان اعلام شد. در پی آن، مدارس، دانشگاه‌ها و برخی ادارات یزد برای چند روز تعطیل شدند. مسئولان نگران در استان یزد از مردم خواستند در مصرف آب صرفه‌جویی کنند و از سایر استان‌ها برای تأمین آب آشامیدنی درخواست کمک کردند. در طرف مقابل، کشاورزان اصفهانی که سال‌هاست با کم‌آبی، ورشکستگی و ازدست‌رفتن حقابه‌های تاریخی‌شان مواجه‌اند، معتقدند انتقال آب به یزد بدون رعایت حقوق آنها صورت گرفته و خلاف عدالت است. به گفته آنها، این انتقال نه‌تنها معیشت‌شان را نابود کرده، بلکه هیچ‌گاه به‌طور قانونی با رضایت آنها انجام نشده است. آنها بارها از طریق قانونی پیگیر موضوع شده‌اند، اما بی‌پاسخ مانده‌اند.

حسین محمدی، رئیس اتاق اصناف کشاورزی شهرستان هرند، گفته است سالانه بیش از ۹۰ میلیون مترمکعب آب به یزد منتقل می‌شود، درحالی‌که مصرف شرب یزد بسیار کمتر از این مقدار است. به گفته او، بخش درخور توجهی از این آب، صرف صنایع و گلخانه‌های یزد می‌شود؛ موضوعی که مسئولان یزدی رد کرده‌اند و گفته‌اند که آب صنعت به منابع دیگری اختصاص داده شده است. مقامات یزد هم تأکید دارند که اختصاص آب به این استان، قانونی و بدون محدودیت زمانی بوده و تنها برای مصارف شرب و صنعت استفاده شده است. به گفته آنها، آب انتقالی هیچ‌گاه به کشاورزی اختصاص نیافته و حجم آن تنها پنج درصد کل آب زاینده‌رود را تشکیل می‌دهد. در این میان، کارشناسان بر لزوم مدیریت منصفانه و پایدار منابع آب تأکید دارند. آنها معتقدند حل بحران آب در کشور نیازمند گفت‌وگو، مشارکت همگانی و بازنگری در الگوهای مصرف و سیاست‌های اختصاص آب است؛ چراکه ادامه این وضعیت، نه‌تنها امنیت آبی بلکه همبستگی اجتماعی را تهدید می‌کند.

### قطبی‌شدن هویت‌های قومی

برخی کارشناسان معتقدند بحران آبی در این حوزه، تنها یک مشکل محیط‌زیستی نیست، بلکه به مسئله‌ای اجتماعی و سیاسی تبدیل شده که پیامدهای آن نه‌تنها به بحران‌های آبی، بلکه به گسست‌های اجتماعی و فرهنگی منجر شده است. محسن سلیمانی، پژوهشگر حوزه مدیریت منابع آبی، در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید در پژوهشی به بررسی نگرش و چارچوب‌های ذهنی مردم چهار استان درخصوص بحران زاینده‌رود پرداخته است. او در این پژوهش روی دو بخش اصلی تمرکز کرده است؛ نخست، بررسی نحوه بازنمایی بحران زاینده‌رود در رسانه‌ها و دوم، تحلیل دیدگاه‌های مردم چهار استان درگیر با این مسئله یعنی اصفهان، چهارمحال‌وبختیاری، یزد و خوزستان. اخیرا کهگیلویه‌وبویراحمد نیز به این فهرست اضافه شده است.

سلیمانی ابتدا به وضعیت بحرانی منابع آب در منطقه زاینده‌رود اشاره می‌کند: «در حوزه زاینده‌رود، منابع آبی به اندازه‌ای نیست که همه استان‌ها بتوانند تمام نیازهای خود را برآورده کنند. نیازهای مختلفی داریم؛ آب شرب، کشاورزی، صنعت و محیط زیست. اما واقعیت این است که نمی‌توانیم همه این نیازها را با منابع محدود تأمین کنیم». به گفته او تأثیرات تغییر اقلیم هم به کاهش منابع آبی کمک کرده است؛ هرچند تأثیر آن در مقایسه با سایر عوامل مانند مصرف زیاد و مدیریت نادرست، نسبتا کم است.

سلیمانی تأکید می‌کند که توسعه هم‌زمان کشاورزی و صنعت در استان‌های مختلف، به‌ویژه چهارمحال‌وبختیاری، اصفهان، یزد و خوزستان، فشار چشمگیری بر منابع محدود آبی وارد کرده است؛ «درحالی‌که این استان‌ها هم‌زمان در حال گسترش فعالیت‌های کشاورزی و صنعتی هستند، این توسعه‌ها به شکل مستقیم موجب افزایش مصرف آب شده‌اند. از سوی دیگر، رشد جمعیت در این مناطق هم نیاز به منابع آبی را بیشتر کرده و بر شدت بحران افزوده است».

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های تحلیل سلیمانی، تبدیل این بحران به یک موضوع قومی است. او معتقد است مسئله آب در این حوزه به شکلی جدی هویت‌های قومی و منطقه‌ای را دچار بحران کرده است: «در حال حاضر، بحران آب در زاینده‌رود به یک مسئله قومی تبدیل شده است. مردم دیگر در قالب یک هویت مشترک به موضوع نگاه نمی‌کنند. درواقع، هر استان به‌طور مطلق احساس می‌کند آب حق مسلم آن است و این باعث تشدید تنش‌ها میان استان‌ها شده است». او به‌شدت از وضعیت ایجادشده انتقاد می‌کند که در آن مردم استان‌های مختلف مانند اصفهان، چهارمحال‌وبختیاری، خوزستان و یزد به‌طور خصمانه‌ای به یکدیگر می‌نگرند و حتی همدیگر را تهدید می‌کنند؛ تهدیداتی برای قطع منابع آب یا بستن خط لوله‌های انتقال آب میان استان‌ها مطرح شده که در فضای عمومی به‌طور فزاینده‌ای در حال افزایش است.

سلیمانی مدیریت نادرست در حوزه منابع آبی را در تشدید بحران مهم می‌داند. به گفته او، وزارت نیرو و دیگر نهادهای مسئول به‌جای مدیریت هوشمند منابع، از ابتدا رویکردی اشتباه در پیش گرفتند که باعث شد بحران زاینده‌رود به یک مسئله اجتماعی پیچیده تبدیل شود. براساس اعلام این پژوهشگر، در انتشار داده‌ها و اطلاعات مربوط به وضعیت منابع آبی شفافیتی وجود ندارد، وزارت نیرو باید در انتشار اطلاعات پیشگام باشد.

### ابعاد بین استانی و قومی زاینده‌رود

او در تشریح یافته‌های پژوهشی خود، به یکی از مهم‌ترین نتایج آن اشاره می‌کند؛ اینکه مسئله زاینده‌رود در نگاه مردم هر چهار استان، از یک بحران صرفا محیط‌زیستی یا مدیریتی، به یک «مسئله عدالت‌محور» تبدیل شده است؛ مسئله‌ای که در ذهن سیاست‌گذاران و حتی مدیران فعلی مغفول مانده است. «وقتی بحران را فقط کمبود آب بدانیم، راه‌حل‌هایی مثل انتقال آب، شیرین‌سازی یا صرفه‌جویی مطرح می‌شوند. حتی اگر بگوییم مشکل مدیریت است، باز هم راهکارهایی از جنس اصلاح ساختار و بهبود روش‌ها در دسترس است. اما وقتی مسئله از نظر مردم به «عدالت» تبدیل شود، دیگر این راهکارهای فنی ساده کارآمد نیستند».

به گفته سلیمانی، آنچه امروز در ذهن مردم نقش بسته، روایتی عدالت‌محور است که در هر استان با تعبیری متفاوت بیان می‌شود؛ «برای مثال، مردم اصفهان به «حق تاریخی» خود اشاره می‌کنند؛ حق آبی که ریشه در گذشته دارد، آثاری تاریخی که با فرونشست در خطرند، جمعیت مهاجرانی که پذیرفته‌اند و صنعتی که قلب اقتصاد ملی است. آنها همچنین به تالاب گاوخونی و حق محیط‌زیستی خود استناد می‌کنند و حتی به اسناد شرعی مثل طومار شیخ‌بهایی و اسناد خرید سهم آب نیز اشاره می‌کنند. از نظر آنها، نادیده‌گرفتن این حقوق یعنی پایمال‌شدن عدالت».

او درباره نگرش مردم چهارمحال‌وبختیاری می‌گوید: «در این استان، مسئله زاینده‌رود از دریچه «عدالت زیست‌محیطی» دیده می‌شود؛ مفهومی که می‌گوید منابع طبیعی معمولا به نفع طبقات ثروتمند بهره‌برداری می‌شوند، اما آسیب‌ها نصیب فقراست. مردم چهارمحال می‌گویند ما سختی تولید آب را تحمل می‌کنیم؛ برف، سیل، سرمای شدید، جاده‌های بسته، محدودیت کشاورزی و ناتوانی در توسعه صنعت، اما ثمره‌اش به پایین‌دست می‌رسد. آنها چمن می‌کارند، برنج و هندوانه می‌کارند، صنعت راه انداخته‌اند و در نهایت خود را مالک منابع می‌دانند».

او می‌گوید حتی در نگاه‌های بدبینانه‌تر، برخی می‌گویند ما اول استفاده کنیم، هرچه ماند فروخته شود یا برسد به بقیه؛ «این نوع نگاه‌ها تقویت‌شده ساختارهای استانی پس از تشکیل شرکت‌های آب منطقه‌ای ذیل استانداری‌ها در سال ۱۳۸۴ است که نگاه ملی به منابع آب را تضعیف کرده است».

او به برداشت مردم یزد از مفهوم عدالت هم می‌پردازد: «یزدی‌ها عدالت را در قالب «حق آب شرب» تعریف می‌کنند. آنها تأکید دارند آبی که از اصفهان می‌آید صرفا برای آشامیدن است، نه صنعت یا کشاورزی. می‌گویند اگر این آب نباشد، باید با تانکر آب بیاورند، دانشگاه‌ها تعطیل و زندگی مردم مختل می‌شود. همین نگاه در چهارمحال هم وجود دارد؛ آنها می‌گویند اصفهان منابع ما را برداشته، خود توسعه پیدا کرده و حالا می‌گوید آب به دیگران نرسد».

به گفته سلیمانی، مردم خوزستان نیز مفهوم عدالت را در قالب «حق طبیعت» می‌بینند: «آنها معتقدند انتقال آب از سرچشمه‌های بالادست مثل بهشت‌آباد، باعث انحراف جریان طبیعی آب و آسیب به جلگه خوزستان شده است. می‌گویند اصفهان حقی برای این انتقال ندارد، چون طبیعت خوزستان را نابود و حاصلخیزی زمین‌هایش را تهدید می‌کند». به گفته او، وقتی هر استان معنای خاصی از عدالت دارد و آن را تنها حق مسلم خود می‌داند، دیگر گفت‌وگوی مؤثر بین طرف‌ها از بین می‌رود؛ چون هرکس آب را فقط برای خودش می‌خواهد و استفاده دیگران را ناعادلانه می‌داند. در چنین شرایطی، ذهنیت‌ها مطلق می‌شود و هیچ حقی برای دیگری قائل نیستند. این یعنی زنگ خطر.

### تغییر ماهیت مناقشه

سلیمانی معتقد است راه‌حل‌های سنتی برای حل بحران‌های آب در این منطقه دیگر جواب‌گو نیست. او به‌جای تلاش برای اختصاص آب به تمام نیازها که در شرایط کنونی غیرممکن است، پیشنهاد می‌دهد باید بر تغییر ماهیت مناقشه و ایجاد هویت مشترک تأکید کرد. او به طرح‌هایی اشاره می‌کند که می‌توانند در گام‌های ابتدایی این هویت مشترک را بسازند و پروژه‌های توسعه‌ای را به‌گونه‌ای تعریف کنند که به نفع تمام استان‌ها باشد. این همکاری می‌تواند به کاهش تنش‌ها و افزایش همبستگی اجتماعی منجر شود.

### هشدار به فروپاشی اجتماعی

سلیمانی هشدار می‌دهد اگر روند کنونی ادامه یابد، بحران زاینده‌رود به فروپاشی اجتماعی و اکولوژیکی منجر خواهد شد: «این امر نه‌تنها باعث از بین رفتن منابع آبی می‌شود، بلکه به تشدید تنش‌ها و خشونت‌های اجتماعی میان مردم می‌انجامد. برای جلوگیری از این وضعیت باید اقدامات عاجل‌تری انجام دهیم که هم از نظر اجتماعی و هم از نظر محیط‌زیستی پایدار باشد».

به گفته او، برای مقابله با این بحران، باید به سوی یک رویکرد جامع و مشارکتی که تمام استان‌های یادشده در آن سهیم هستند، حرکت کرد و به‌جای تمرکز بر مشکلات، به ایجاد راهکارهایی مشترک و بلندمدت برای توسعه این منطقه توجه کرد.

جوابیه

### پاسخ آموزش‌وپرورش به یک گزارش

در پی انتشار گزارشی با تیتر «تلاش برای حذف مدرسه» در سیزدهم بهمن‌ماه سال گذشته، معاونت آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش، توضیحی برای دفتر روزنامه فرستاد. در این جوابیه آمده است: «یک: در متن روزنامه مذکور، به کاهش کیفیت آموزش مجازی اشاره شده و آنچه بر همه مسلم است دلایل برگزاری کلاس به صورت مجازی، تعطیلات ناشی از کمبود انرژی و آلودگی هوا بوده که در اختیار وزارت آموزش‌وپرورش نیست و این وزارتخانه نیز به آموزش حضوری به دلیل لزوم آموزش چند مهارتی به دانش‌آموزان و... نسبت به آموزش غیرحضوری، تمایل بیشتری دارد. دو: همان‌گونه که بر تمام صاحب‌نظران تعلیم و تربیت مشخص است؛ لزوم توسعه مهارت‌های مطلوب دانش‌آموزان در مدرسه، ارتباط مؤثر بین اولیا، جامعه محلی و... با مدرسه است؛ معلمان در دوره‌های تحصیلی مختلف تمام تلاش خود را با توجه به زمان آموزشی و شرایط موجود به کار خواهند گرفت؛ لذا همکاری اولیا، وصول اهداف نظام تعلیم و تربیت و مهارت‌های مورد نیاز دانش‌آموزان را آسان‌تر خواهد کرد. سه: در بسیار از کشورهای دنیا، استفاده از ظرفیت آموزش ترکیبی (حضوری و غیرحضوری) وجود دارد و از آن به‌خوبی بهره گرفته می‌شود. چهار: عبارت «کلاس آنلاین یک وقت‌گذرانی آموزشی است» اصلا برای جامعه فرهیخته فرهنگی و معلمان که با تمام وجود برای آموزش کودکان این مرز و بوم تلاش می‌کنند، صادق نبوده و در بسیاری از مواقع، زحمات معلمان را نیز دوچندان می‌کند».

خبر

### نرخ خودکشی زنان بالاتر از مردان

**ایلنا:** معاون وزیر کشور از بالاتربودن نرخ خودکشی میان زنان نسبت به مردان خبر داد و گفت: «میزان آسیب‌پذیری زنان بیشتر از مردان است». محمد بطحایی که رئیس سازمان امور اجتماعی کشور هم هست، در نشستی با موضوع برگزاری همایش رویداد مشارکت ملی و سرمایه‌گذاری اجتماعی، گفت: «ما در حوزه اجتماعی کمتر از سرمایه‌گذاری مردم برخوردار بوده‌ایم. ۱۱ هزار سمن در کشور به ثبت رسیده که هزار سمن در حوزه بین‌المللی و ۱۰ هزار در حوزه شهرستان و استان هستند. تمام این سمن‌ها فعال نیستند». او درباره لایحه ارتقای امنیت بانوان توضیح داد: «در این لایحه آنچه باید امنیت زنان را تأمین کند، آن‌قدر تغییر کرده که دیگر نمی‌توان چنین مسئله‌ای را در ارتباط با آن مطرح کرد. این لایحه قطعا نکات مثبتی دارد اما کاستی‌هایی در آن ایجاد شده است. این لایحه که روزهای آخر خود را تا تصویب می‌گذارند، در جایی ممکن است به عکس خود تبدیل شده باشد».

### حمایت از ۲۰۰ هزار کودک مبتلا به سوءتغذیه

**ایلنا:** مدیر دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت با اشاره به افزایش بودجه برنامه حمایت از کودکان مبتلا به سوءتغذیه گفت: «در سال ۱۴۰۳، حدود ۱۳۴ هزار کودک تحت پوشش این برنامه هستند که امسال قرار است به ۲۰۰ هزار کودک مبتلا به سوءتغذیه افزایش یابند». احمد اسماعیل‌زاده، ادامه داد: «بر اساس مبلغی که از طریق کالابرگ الکترونیکی توسط وزارت رفاه برای آنها شارژ می‌شود، به خانواده‌ها اجازه می‌دهد اقلام غذایی لازم برای رشد کودک را تهیه کنند. کارشناسان تغذیه و بهورزان شبکه بهداشت و درمان کشور نیز به طور مرتب آموزش و پیگیری‌های لازم را انجام می‌دهند. در صورتی که کودک شرایط بهبود را پیدا نکرده باشد، همچنان در برنامه باقی خواهد ماند. اما در صورت بهبود وضعیت او، جای خود را به کودکان دیگر خواهد داد». او گفت: «یکی از مهم‌ترین‌های اولویت‌های دفتر بهبود تغذیه وزارت بهداشت، برنامه حمایت تغذیه کودکان است که از سال ۱۴۰۱ شروع شده و در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ ادامه یافته است. این برنامه پیش‌تر با همکاری کمیته امداد انجام می‌شد، اما از سال ۱۴۰۲ با اختصاص بودجه‌ای نسبتا مناسب، به وزارت بهداشت و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی واگذار شده است. آخرین بررسی‌ها نشان می‌دهد برنامه در وضعیت بسیار مطلوبی قرار دارد». بر اساس اعلام او، آمار سوءتغذیه میان کودکان در کشور حدود پنج درصد است.